

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال نوزدهم - شماره ۱۴۰
زمستان ۱۴۰۰

سیر تطور گزارش واقعه غدیر در متون تفسیری زیدیه

مریم قوجائی خامنه^۱

چکیده

زیدیه، یکی از فرق مهم منشعب از شیعه است که با اعتقاد به امامت «زید بن علی بن الحسین» علیه السلام و قرار دادن ویژگی‌هایی خاص برای امامت، از شیعه دوازده امامی جدا شدند، اما باور به امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام و وجود نصوصی مانند آیات مرتبط با امامت آن حضرت و روایاتی مانند روایت غدیر، منزلت، ثقلین و... از اشتراکات زیدیه با امامیه است. با وجود این اشتراکات، برخی از فرق اسلامی غیر شیعی، به جهت برخی اشتراکات زیدیه با معتزله، در تلاشند با تضعیف مسئله امامت، زیدیه را به اهل سنت نزدیکتر سازند. در این نوشتار، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، دیدگاه مفسران زیدی از قرن دوم تا عصر حاضر، ذیل آیات مرتبط با واقعه غدیر، گزارش و عنایت و یا غفلت این تفاسیر از واقعه غدیر تبیین شده است. در این تفاسیر، اشاره به واقعه غدیر و منصوص بودن امامت امام علی علیه السلام (با شدت و ضعف) و با رویکردی نقلی و بدون وجود استدلال‌های منطقی و استنباط‌های عقلی، همواره وجود داشته است و اهل سنت و به ویژه وهابیت، با تعظیم برخی از تفاسیر زیدی مانند تفسیر «فتح القدر»، روایات مرتبط با غدیر را جعلی اعلام نموده و مفسر را به دلیل طرح این روایات، نقد کرده‌اند. در نهایت اینکه داشتن رویکردی اثباتی توسط شیعه امامیه به منابع زیدیه و جدا نساختن میراث زیدیه از میراث امامیه، به تقویت و گسترش میراث و پشتوانه فکری و فرهنگی شیعه امامی، یاری خواهد رساند.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، غدیر، زیدیه، تفسیر قرآن، امامت.

۱. دانش آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی و محقق رسمی مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه، m.ghojaei.kh@gmail.com.

مقدمه

باور به امامت، محور مشترک میان همه فرق شیعی است، اما تفسیرهایی که هرکدام از این فرقه‌ها از مفهوم، صفات، شرایط، وظایف و اختیارات امامت دارند، سبب تمایز آنها از بُعد نظری و عملی شده است.

زیدیه، که از انشعابات شیعه امامیه شمرده می‌شود، در مفهوم امامت، مشترک با شیعه امامیه است، اما در صفات و شرایط، قائل به اموری شدند که این تفاوت‌ها سبب جدایی زیدیه از شیعه دوازده امامی گردید. لحاظ این شرایط، اختلاف در مصداق امامت را به دنبال داشت. در واقع، زیدیه معتقد به امامت بلافضل علی علیه السلام و بعد از ایشان تا امام سجاد علیه السلام می‌باشند. زیدیه بر این باور است که امامت علی علیه السلام منصوص و بلافاصله بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده است. این مطلب، از مشترکات مهم زیدیه و شیعه است. با این وصف، در طول تاریخ سعی شده است که این نقطه اشتراک فرقه زیدیه و شیعه امامیه را تضعیف کرده و ایشان را هرچه بیشتر، به اهل سنت نزدیک سازند.

از طرفی به دلیل همخوانی برخی عقاید زیدیه با معتزله، امروزه و در طول تاریخ سعی شده است که این فرقه مهم و تأثیرگذار شیعی را به اهل سنت نزدیک کنند. به نظر می‌رسد دعوت وهابیان در میان زیدیان یمن نیز به همین دلیل موفق بوده است. (موسوی نژاد و حسین اف، ۱۳۹۰، ص ۳۹)

در منابع کلامی متعددی از زیدیه، به تعریف امامت پرداخته شده است که پرداختن به آنها، دور از هدف ماست (ر.ک: متوکل علی الله، ۱۴۲۴، ص ۴۳۷ و صبحی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۳). در این میان، جانشینی پیامبر، ولایت و سرپرستی و واجب‌الاطاعه بودن، مؤلفه‌های امامت از دیدگاه زیدیه است. (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۹۸)

اما در مورد مصداق امامت، زیدیه بر این باور است که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام امام و خلیفه اوست. آنها قائل به وصیت پیامبر بر امامت ایشان هستند (همان، ص ۱۲۴). زیدبن علی در این باره می‌گوید: «هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله وفات یافت، علی علیه السلام افضل برای خلافت

بود (زیدبن علی، ۱۴۲۲، ص ۱۸۷ و ۳۸۱). از دیگر امامان زیدیه نیز تعابیر این چنینی وجود دارد (هادی الی الحق، ۱۴۱۹، ص ۸۶؛ متوکل علی الله، ۱۴۲۴، ص ۴۴۹ و رسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۹). در بسیاری از منابع زیدیه به ویژه منابع کلامی آنان، به بحث غدیر پرداخته شده است (موسوی نژاد و حسیناف، ۱۳۹۰، ص ۶۹). به طور نمونه، «سامی الغریری الغراوی» در کتاب «الزیدیه بین الامامیه و اهل السنه» در بحث طرق دال بر امامت علی علیه السلام، به حدیث غدیر پرداخته است. وی بر این باور است که فرق شیعه، امامت را از این حدیث برداشت می کنند و سایر مسلمانان، فضیلت را. وی به آراء برخی از امامان زیدیه در این باب می پردازد. (الغریری، ۱۴۲۹، ص ۴۱۹-۴۲۵)

نمونه دیگر، کتاب «زیدیه در قرن دوم و سوم هجری» نوشته «فضیلت الشامی» است. نویسنده در این کتاب، به این مطلب اشاره می کند که شیعه معتقد به واقعه غدیر است که پیامبر در مقابل انبوهی از یاران، خلافت علی علیه السلام را اعلام و او را رسماً به جانشینی خود منصوب کرد. وی ضمن اشاره به حدیث غدیر، تاریخ این اتفاق را هجدهم ذی حجه سال دهم هجری می داند. (الشامی، ۱۳۶۷، ص ۳)

وی بر این باور است که نص پیامبر صلی الله علیه و آله، اساس اعتقاد شیعه را در مسئله امامت و وصایت امام علی علیه السلام تشکیل می دهد. فضیلت الشامی این اعتقاد را سبب ایجاد مشکل و اختلاف در انتخاب خلیفه اول می داند. (همان، ص ۵)

روایات متعددی در اثبات این امر، مورد استناد ایشان قرار گرفته است که برای اطلاع از آنها می توان به «کتاب الكامل المنیر فی اثبات امامه امیرالمؤمنین»، نوشته قاسم بن ابراهیم رسی مراجعه کرد. مهمترین این دلایل، واقعه و روایت غدیر است که از سوی موافق و مخالف به صورت متواتر نقل شده است.

زیدیه بر این نظر است که در حدیث غدیر، «ولی» به معنای مالک در تصرف است. چون خدا و رسول، مالک در تصرف هستند، پس باید چنین حقی برای علی علیه السلام نیز باشد. علاوه بر این، در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، لفظ مولا به کار رفته است. این واژه، بر معانی دهگانه حمل می شود که یکی از معانی آن، سزاوار بودن است. شوکانی، مفسر معروف زیدیه، در تفسیر آیه ۱۵ سوره



حدید می‌نویسد: مراد از مولا، اولی بکم (سزاوارتر برای شما) است. (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۷۱) با این اوصاف، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که گزارش واقعه غدیر در متون

تفسیری زیدیه، از قرون متقدم تا عصر حاضر، چه سیر تطوری داشته است؟

به همین دلیل، در این تحقیق سعی بر آن است که مسئله غدیر در منابع تفسیری زیدیه بررسی شود. آنچه اشاره به آن در ابتدای نوشتار ضروری است، دشواری‌های خاص اینگونه تحقیقات به جهت عدم دسترسی آسان به منابع مورد نیاز و امکان مطالعه آنهاست؛ چرا که تعدادی از این منابع، کتب خطی با خطوطی دیرخوان می‌باشند که سختی تحقیق را مضاعف می‌سازد. با توجه به این نکته، هرچند سعی نگارنده بر آن بود که از تمام قرون به تفسیری مراجعه شود، اما میسر نگردید و متأسفانه برخی از تفاسیر، در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط یافت نشد.

در ادامه نوشتار، به مباحث مرتبط با غدیر در تفاسیر خواهیم پرداخت. البته برای نشان دادن جایگاه غدیر در قرون گذشته، به کتب غیر تفسیری مرتبط با امر امامت و غدیر نیز اشاراتی شده است که بسیاری از آنها را به جهت وسعت استفاده از آیات، می‌توان به تعبیری تفسیر موضوعی نامید.

در مقالاتی به صورت محدود، از جهاتی به بررسی حدیث و واقعه غدیر در تراث زیدیه پرداخته شده است که در ادامه به آنها و وجوه اشتراک و افتراق آنها با نوشتار حاضر پرداخته می‌شود:

۱. «غدیر در منابع زیدیه (قرنهای دوم تا پنجم هجری)»، علی موسوی نژاد و وصال حسین اف. منتشر شده در فصلنامه علمی - تخصصی سخن تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۳. در این مقاله، به منابع زیدیه به طور عام (کلامی، تفسیری، مناقب‌نویسی، حدیثی، تاریخی و...) و در طی قرون متقدم پرداخته شده است.

«بررسی و نقد آیات خلافت و ولایت در تفسیر مقاتل بن سلیمان و تفسیر الکشاف زمخشری»،
علی اکبر شایسته نژاد و سید محمدباقر حجتی، منتشرشده در مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث،

دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، مرداد ۱۳۸۷، صفحه ۲۷-۴۶. این مقاله، آیات متعدد
مرتبط با امامت و ولایت، مطالعه شده است؛ اما آنچه مورد توجه واقع شده، این است که
تفسیر مقاتل به عنوان یک تفسیر از اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است و نه یک متن
تفسیری زیدی.

گزارش واقعه غدیر از تفاسیر متقدم تا معاصر زیدیه

همان گونه که اشاره شد، در متن اصلی این نوشتار، گزارش واقعه غدیر را بر حسب
زمان، به ترتیب از متقدم تا معاصر پی خواهیم گرفت و در نهایت به بررسی تطور، تشابهات و
تفاوت‌های این گزارش‌ها خواهیم پرداخت:

۱.۱. قرن دوم

۱.۱.۱. غریب القرآن زیدبن علی

«تفسیر غریب القرآن» منسوب به زیدبن علی بن حسین (۱۲۲ق) به روایت ابو خالد واسطی
است. این تفسیر، شامل توضیحات لغوی از تمام ۱۱۴ سوره قرآن است.

زیدبن علی در این تفسیر، در ذیل آیه ۶۷ سوره مائده می‌گوید که این آیه به طور خاص،
در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام است (زیدبن علی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۹). وی همچنین در توضیح آیه «و
لکل جعلنا موالی» (نساء: ۳۳)، هفت معنا برای کلمه مولی ذکر کرده است که یکی از آنها «ولی»
(سرپرست) است. (همان، ص ۱۱۸)

با توجه به ذکر معنای «ولی» برای واژه «مولا» در این تفسیر و محوری بودن این واژه در
حدیث غدیر و تصریح وی در ذیل آیه تبلیغ (مائده: ۶۷) می‌توان اعتقاد به سرپرستی و ولایت
امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به «زیدبن علی» نسبت داد.

۱،۱،۲. تفسیر ابوالجارود زیادبن منذر

«تفسیر ابوالجارود» از زیادبن منذر همدانی کوفی خارفی (م ۱۵۰ق) است. ابوالجارود، از رجال سیاسی و مذهبی نیمه اول قرن دوم هجری است که از او به عنوان یکی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام و نیز بنیان‌گذار فرقه جارودیه نام برده شده است.

او به تفسیر حدود ۳۷۹ آیه از امام باقر علیه السلام پرداخته است. نقل‌های فراوانی از این تفسیر در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ق) آمده است. باین حال، آراء تفسیری وی در کتابی مستقل با عنوان «تفسیر ابی‌الجارود و مسنده» نیز جمع‌آوری شده است که نگارنده به آن مراجعه کرده است.

از مقایسه میان روایات تفسیری ابوالجارود با روایات کهن در تفاسیر امامیه، تشابهات فراوانی بین آنها در بیان و شیوه می‌یابیم. تفسیر ابوالجارود در تأویل برخی آیات که در حق علی بن ابی طالب علیه السلام یا اهل بیت علیهم السلام نازل شده، با شیعه امامیه همخوانی دارد. به طور نمونه، در ذیل آیه ۳ سوره مائده، کمال دین را پذیرش ولایت دانسته و یا ذیل آیه ۶۷ سوره مائده بر این باور است که جبرئیل از پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته که امت را از ولایت علی علیه السلام آگاه کند. در بررسی تفصیلی این ادعا شاهد هستیم که ابوالجارود در ذیل آیه ۳ سوره مائده، به روایتی از امام محمد باقر علیه السلام اشاره می‌کند که اکمال دین را بعد از نزول دستوراتی مانند نماز، زکات، روزه و حج، در مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند. در این تفسیر آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از چگونگی اظهار این مسئله به جهت قرابت علی علیه السلام با خود دچار سردرگمی بود که آیه ۶۷ سوره مائده نازل شد و ادای تکلیف رسالت را در بیان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دانست. پس پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم، دست علی علیه السلام را بالا برد و ایشان را به عنوان وصی و جانشین خود معرفی نمود و از مردم خواست که حاضرین به غائبین اطلاع دهند. در ادامه به تفصیل، به جانشینی فرزندان علی تا دوازده نفر اشاره کرده است (زیادبن المنذر، ۱۴۳۴، ص ۸۶). وی به نقل از امام باقر علیه السلام، ولایت را آخرین فریضه واجب شده می‌داند که با آن، فرائض کامل گشته‌اند.

(همان، ص ۹۲)

ابوالجارود در ذیل آیه ۶۷ سوره مائده، به ذکر چندین روایت مفصل مرتبط با غدیر می‌پردازد و آنها را گزارش می‌کند. وی اشاره دقیقی به محل غدیر خم و چگونگی انتصاب امام علی علیه السلام به جانشینی و شاهد گرفتن مردم بر این امر مهم می‌کند (همان، ص ۹۲-۹۶). در این تفسیر، به تفصیل به گزارش غدیر و جزئیات آن پرداخته شده است.

۱،۱،۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان

مهم‌ترین تفسیر در دوره اتباع تابعین، تفسیر مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق)، عالم بلخی تبار مرو است که کهن‌ترین تفسیر کامل برجای مانده است. این اثر در طول تاریخ، همواره تداوم داشته است.

در مذهب مقاتل بن سلیمان، اختلاف نظر وجود دارد. برخی او را متمایل به شیعه امامی دانسته و جمعی او را شیعه زیدی خوانده‌اند. ابن ندیم در فهرست خود، وی را از زبیدیه شمرده و از دو کتاب تفسیری وی با نام کتاب «التفسیر الکبیر» و کتاب «نوادیر التفسیر» و چندین کتاب دیگر در علوم قرآنی نام برده است؛ از جمله رساله‌ای از او با عنوان «تفسیر خمس مائة آية من القرآن» که منتشر نیز شده است. (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۳۶ و آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۲۴)

وی در مسئله امامت و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، به شدت دچار تناقض‌گویی شده است. به طور نمونه، وی در آیه «... أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ...» (نساء: ۸۳)، اولی الامر را به فرماندهان لشکر تفسیر کرده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۹۳). مقاتل، علی علیه السلام را مصداق آیه انفاق در رکوع معرفی می‌کند (همان، ج ۱، ص ۴۸۶). در جریان اعلام برائت، نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله، مأموریت را از ابوبکر به علی منتقل کرد؛ زیرا این کار را فقط باید فردی که از خاندان اوست، انجام دهد (همان، ج ۲، ص ۱۵۵). در تفسیر آیه: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (مائده: ۵۶)، می‌نویسد: یعنی علی بن ابی طالب، یعنی شیعه خدا و رسولش و کسانی که ایمان آورند، غالب و پیروزند (همان، ج ۱، ص ۴۶۸). وی در تفسیر آیه: «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...» (توبه: ۱۰۰) می‌نویسد: مراد کسانی هستند که به سوی دو قبله نماز گزارند؛ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و ده نفر از اهل بدر. (همان، ج ۲، ص ۱۹۱)



موارد متعدد دیگری نیز از این تناقض‌ها در سرتاسر تفسیر مقاتل به چشم می‌خورد و از موارد تعجب‌برانگیز آن، سکوت او نسبت به واقعه غدیر است. در تفسیر مقاتل، هیچ‌گونه اشاره‌ای به واقعه غدیر و وصایت امیر مومنان علیه السلام در ذیل آیات مربوطه نشده است. در ذیل آیه غدیر، مقاتل آیه را مربوط به دعوت از یهود و ناامیدی از اسلام آوردن آنها دانسته است که خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را تشویق به دعوت نمود که نسبت دروغ و تمسخر یهود تو را از دعوت باز ندارد و این آیه نازل شد. با نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله از کشته شدن و ترس، ایمنی یافت. (همان، ج ۱، ص ۴۹۱-۴۹۲) در نقد نظر مقاتل می‌توان گفت که مضمون آیه که خداوند فرمود: اگر این امر را به مردم ابلاغ نکنی، اصل رسالت را ابلاغ نکرده‌ای، به جهت اهمیت و خطیر بودن مأموریت و حساسیت مردم نسبت به آن است. چنین تأکیدی برای مسئله‌ای همچون ولایت و رهبری اجتماع می‌تواند باشد؛ چراکه هیچ‌یک از احکام اسلام دارای شرایطی نیست که ترک ابلاغ آن همانند اصل رسالت باشد.

۱،۲. قرن سوم: تفسیر الحبری

این تفسیر متعلق به حسین بن حکم حبری (م ۲۸۱ق) است که با عنوان «ما نزل من القرآن فی علیّ امیرالمؤمنین» از کل قرآن، آیات مربوطه، جمع‌آوری و تفسیر شده است. ابوعبدالله حسین بن حکم بن مسلم کوفی حبری، مفسر، محدث و فقیه عصر خویش و شیعی مسلک و زیدی مذهب بوده است. حافظ صارم‌الدین در طبقات زیدیه، وی را ستوده و گفته است کسی بر او قدح و طعنی وارد نکرده است. حسین بن حکم حبری، از روایت معروف قرن سوم شهر کوفه و معاصر و ناقل روایت از امام جواد علیه السلام است. حبری دو کتاب با نام‌های «مسند» و «تفسیر» داشته که تفسیر وی بر جای مانده است. (حبری، ۱۴۰۸، مقدمه) از آنجا که این کتاب، به اسباب‌النزول پرداخته است، کتابی تفسیری به شمار می‌رود و از پیشگامان در این شیوه است. همچنین نظر به اینکه آیاتی را که درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده جمع کرده، کتابی کلامی (عقایدی) است.

مفسر در ذیل آیه ۶۷ سوره مائده اشاره می‌کند که آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است و به فراز مشهور واقعه غدیر یعنی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهٖ مِنْ عَادَاةٍ» اشاره می‌کند (حبری، همان، ص ۲۵۶). مفسر به روایت ۴۱ از همین تفسیر ارجاع می‌دهد که در ضمن آن، روایت امام باقر علیه السلام به تفصیل حدیث غدیر را روایت می‌کند. (همان، ص ۲۸۷)

البته در قرن سوم هجری، شخصیت دیگری با نام «قاسم بن ابراهیم رسی» وجود دارد که در رساله «تثبیت الإمامة»، برای اثبات امر امامت در اهل بیت علیهم السلام، به آیات و روایات متعدد استناد کرده است که حدیث غدیر از جمله آنهاست (رسی، بی‌تا، ص ۵۵). در کتاب «الکامل المنیر فی اثبات ولایة امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب والرد علی الخوارج» که منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی است، به حدیث غدیر اشاره شده است. بر اساس این روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه درباره اولویت خود نسبت به مؤمنان از ایشان اقرار گرفت، حدیث غدیر را ایراد فرمود (رسی، ۱۴۲۳، ص ۶۱-۶۳). وی در همین کتاب، در روایت دیگری که اختلاف سندی با روایت سابق دارد، توضیح مفصل تری از جزئیات حادثه ارائه کرده است (همان، ص ۸۳-۹۰). نویسنده در رساله «الإمامة»، در پاسخ به سؤال امام مفترض الطاعة، در تمسک به آیات متعدد، به واقعه و حدیث غدیر نیز اشاره نموده است. (همان، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۸۰)

هادی الی الحق یحیی بن حسین بن قاسم رسی، از دیگر بزرگان زیدیه در قرن سوم است که در کتاب «تثبیت الإمامة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» به واقعه غدیر خم اشاره کرده است (یحیی بن حسین هادی الی الحق، ۱۴۱۹، ص ۲۰). کتاب دیگری که این محقق زیدی در آن به واقعه غدیر اشاره کرده است، کتاب «اصول الدین عقیده اهل البیت الطاهیرین» است که در بخش امامت حضرت علی علیه السلام، دلایلی بر افضلیت ایشان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می‌کند و آن را از سخنان مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارد (هادی الی الحق، ۱۴۲۱، ص ۸۷-۹۰). محقق مذکور همچنین در مقدمه کتاب «الأحكام فی الحلال والحرام» به شرح واقعه غدیر پرداخته است. (همان،

۱،۳. قرن چهارم

۱،۳،۱. تفسیر فرات کوفی

ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، از علمای بزرگ زیدی است که در شهر کوفه زندگی کرده است. اگرچه منابع تاریخی و رجالی، اطلاع چندانی از زندگانی او ندارند، ولی همان طور که محقق تفسیر فرات کوفی نیز نوشته است (فرات بن ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۱) با توجه به تفسیر قرآنی که از وی باقی مانده، می توان او را شیعه زیدی به حساب آورد. در این کتاب، نصی در مورد امامان دوازده گانه وجود ندارد، ولی در مقابل، روایاتی از زید نقل شده است که عصمت را به پنج تن از اهل بیت علیهم السلام منحصر می کند (همان، ص ۲۳۹-۲۴۰). وی معتقد است که غیر از امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، هیچ شخص معینی، امام مفترض الطاعه نیست. (همان، ۴۷۴-۴۷۵)

تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، به عنوان یکی از شخصیت های منتسب به مذهب زیدیه، با نام «تفسیر آیات القرآن المروری عن الائمة» نیز شناخته شده است. در این تفسیر، گزارش غدیر و مسئله وصایت امیرالمومنین علیه السلام، به صورتی بسیار پررنگ آمده و روایات متعددی در اثبات این مسئله آورده شده است.

وی ذیل آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»، شش روایت را در تبیین واقعه و خطبه غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده است (فرات بن ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۰-۱۳۱). همچنین در ذیل آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، پنج روایت را گزارش می کند که در آنها، شأن نزول آیه، علی بن ابی طالب دانسته شده و نام ایشان به صراحت آمده است. در دو روایت نیز به جایگاه والای علی علیه السلام و شیعیان ایشان در قیامت اشاره شده است (همان، ص ۱۱۸-۱۲۰). فرات بن ابراهیم در ذیل آیات ۳۱ تا ۳۴ سوره قیامت، واقعه غدیر را از طریق حدیثی که سندش به ابوذر منتهی می شود، روایت کرده است. بر اساس این روایت، ابوذر حکایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، ۱۳۰۰ نفر از ما را جمع کرد و این مطالب را فرمود (همان، ص ۵۱۵)

۵۱۷-). اهتمام مفسر در نقل این گزارش‌ها بسیار ستودنی است. وی در آیات دیگری از جمله نجم: ۱-۴ و معارج: ۱-۲ نیز واقعه غدیر را گزارش کرده است.

۱,۳,۲. تفسیر مرتضی‌الدین‌الله محمدبن‌الهادی

مرتضی‌الدین‌الله محمد فرزند هادی‌الی‌الحق است که از امامان زیدیه به شمار می‌رود. وی در سال ۲۷۸ق چشم به جهان گشود و تحت تربیت پدرش، هادی‌الی‌الحق، مؤسس دولت زیدیه در یمن پرورش یافت. مرتضی، از پدر و عموهایش علم و معرفت فرا گرفت و بعد از درگذشت پدر و بیعت زیدیان یمن با او، زعامت زیدیان یمن را در اواخر قرن سوم بر عهده گرفت. وی آیات پرشماری را تفسیر کرده است. در مجموع، کتب و رسائل «الامام‌المرتضی» و همچنین «المصابیح الساطعة الانوار» او منتشر شده است. محمدبن‌یحیی علاوه بر مجاهدت‌های سیاسی و نظامی، آثار متعدد علمی نیز تألیف کرده است که کتاب‌های تفسیر القرآن، الاصول، الايضاح، النبوه، التوبه، فضائل امیرالمؤمنین عليه السلام، الرد علی القرامطه و... از آن جمله‌اند. مرتضی‌الدین‌الله سرانجام در سال ۳۱۰ق در ۳۲ سالگی درگذشت. (مرتضی‌الدین‌الله، ۱۴۲۱، ص ۱۲-۲۳)

مرتضی‌الدین‌الله در کتاب الاصول، بخشی را به نام «فضیلت امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب عليه السلام» نوشته و حدیث غدیر را ذکر کرده است (همان، ص ۱۳۸-۱۴۱). قابل ذکر است که در کتاب «مناقب الإمام امیرالمؤمنین» تألیف محمدبن‌سلیمان کوفی، از علما و محدثان زیدیه، در باب‌های مختلفی، از واقعه غدیر سخن گفته شده است. (محمدبن‌سلیمان کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹)

۱,۴. تفاسیر قرن پنجم: تفسیر چشمی

حاکم چشمی، ابوسعید محسن بن محمد بروقنی، عالم و متکلم زیدیه قرن پنجم، در سال ۴۱۳ق در روستای چشم از توابع بیهق (سبزوارکنونی) به دنیا آمد (شهری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۹۱-۸۹۲؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۱۲ و صریفینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹۲). در منابع زیدیه، از وی به عنوان استاد



زمخشری یاد شده است (شهاری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۹۲، ۸۹۱ و زرزور، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۰ و ۱۶۲، ۱۶۱). مهم‌ترین اثر تفسیری حاکم جِشْمی، التَهْذِیْبُ فِی تَفْسِیْرِ الْقُرْآنِ در نه جلد است که نسخه‌های خطی کهنی از آن موجود است (وجیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۳۳، ۳۳۰ و ج ۲، ص ۳۶۶، ۳۶۵). در واقع اهمیت این تفسیر، در نقل قول‌های آن از تفاسیر عالمان معتزلی است. به دلیل عدم دسترسی به این تفسیر خطی، از مراجعه به آن معذوریم، اما بر اساس اطلاع، در حال حاضر، در یمن در دست تحقیق و آماده‌سازی برای انتشار است. ناگفته نماند که حاکم جِشْمی کتاب دیگری در مباحث قرآنی با عنوان «تَنْبِیْهِ الْغَافِلِیْنَ عَنِ فِضَائِلِ الطَّالِبِیْنَ» نوشته و در آن، ۱۰۳ آیه درباره فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به وسیله روایات معتبر بر اساس ترتیب سوره‌ها، با احادیث و نکات تفسیری به صورت موجز گردآوری کرده و روایات مرسلی را نیز در تفسیر آیات به آن افزوده است. (همان، ص ۳۵۷-۱۹۶)

جِشْمی در این کتاب، ذیل آیه ۳ سوره مائده، ابتدا از قول گروهی از مفسران آورده است که این آیه، در عصر روز عرفه سال دهم هجرت نازل شده است و پس از آن، دیگر چیزی نازل نشد و ۸۱ روز بعد از آن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درگذشت. اما در ادامه، چنین بیان می‌کند امری که آیه از آن سخن می‌گوید، مطلب مهمی است که خداوند به واسطه آن بر مسلمانان منت نهاده و با بیان آن، دین را کامل نموده است. در واقع، با توجه به اینکه خداوند تمام قوانین الهی و تشریحات لازم را قبل از این بیان نموده، پس چیزی باقی نمی‌ماند به جز مسئله امامت علی علیه‌السلام بعد از پیامبر که ایشان را حجت بر خلق و حفظ دین الهی قرار دهد. مفسر تصریح می‌کند که این آیه در غدیر خم نازل شد و بنا بر نص الهی، امیرمؤمنان، قائم مقام پیامبر معرفی شد و به واسطه این جانشینی، شرع و دین تکمیل گردید. (جِشْمی، ۱۳۸۳، ص ۷۱)

وی ذیل آیه ۶۷ سوره مائده، به طور مفصل به بحث غدیر می‌پردازد و ضمن بیان روایت غدیر، به تهنیت خلیفه دوم به امیرمؤمنان اشاره می‌کند. مفسر یادآوری می‌کند که این روایت، در حد تواتر بوده است. جِشْمی بعد از ذکر مطالبی درباره حدیث غدیر، می‌گوید این روایات، بر امامت امیرمؤمنان دلالت دارد و اینکه وی دارای عصمت در ظاهر و باطن است که

دچار تغییر نمی‌شود و امامت، متعلق به وی و عترت اوست (البته آن گونه که ما می‌گوییم) (همان، ص ۷۵-۸۹) این قید، نشانگر اعتقاد خاص زیدیه به مسئله امامت و شرایط آن است. یکی دیگر از کتب زیدی قرن پنجم، کتاب «شواهد الصنع» نوشته مهدی لدین الله حسین بن قاسم عیانی از ائمه زیدیه است. در این کتاب، در پاسخ به منکران امامت بعد از پیامبر ﷺ، حدیث غدیر ذکر شده است. (حسین بن قاسم عیانی مهدی لدین الله، ۱۴۲۵، ص ۱۱-۱۳) همچنین مؤید بالله احمد بن حسین هارونی، از دیگر امامان زیدیه است که در آثار علمی خود، به واقعه غدیر اشاره کرده است. به طور نمونه، در کتاب‌های «التبصره فی التوحید و العدل» (احمد بن حسین هارونی، ۱۴۲۳، ص ۷۳-۷۶) و «امالی الصغری» (همان، ۱۴۱۴، ص ۹۰-۱۱۸)، این حدیث به طور مفصل روایت شده است.



۱.۵. قرن هفتم: تفسیر کتاب الله، ابوالفضل شهرآشوب بن شهردویر دیلمی

تفسیر دو جلدی «تفسیر کتاب الله»، نوشته ابوالفضل شهرآشوب بن شهردویر بن بهاء‌الدین یوسف بن ابی‌الحسن دیلمی مرقانی در قرن هفتم هجری است. نسخه‌های این تفسیر به صورت خطی در کتابخانه مجلس موجود است و اخیراً تصویری از آن توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر شده است.

تفسیر دو جلدی «تفسیر کتاب الله»، از «ابوالفضل دیلمی» از علمای زیدیه شمال ایران، هنوز خطی بوده و وجود نسخه‌های متعددی از آن، از اعتبار و رواجش نزد ناصریان شمال ایران حکایت می‌کند. تاریخ تألیف این تفسیر را بین قرن ششم و نهم تخمین زده‌اند؛ هرچند محمدباقر حجتی احتمال می‌دهد متعلق به قرن نهم و دهم و یا قبل آن باشد. (عمادی حائری، ۱۳۸۹، ص ۱۵)

البته با توجه به تاریخ استنساخ جلد دوم، که پایان آن در سال ۸۹۰ هجری قمری بوده است، نمی‌تواند متعلق به قرن دهم باشد. بر اساس نسخه‌های مختلف شناسایی شده از این کتاب، «تفسیر کتاب الله»، مهمترین متن تفسیری متداول در میان عالمان زیدی ایرانی در



فاصله قرن هفتم تا دهم هجری بوده است. در این تفسیر، نشانه‌های آشکاری از تعلقات ولایی مفسر به چشم می‌خورد که گاه به صورت نقل روایت از امام علی علیه السلام و یادکرد از ایشان با عنوان امیرالمؤمنین است. همچنین در ذیل آیات مربوط به امامت، ولایت و اهل بیت خودنمایی می‌کند.

مفسر، در ذیل آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾، با استناد به اقوال مفسرین صحابه و تابعین، آیه را در شأن علی بن ابیطالب علیه السلام و روز غدیر می‌داند که از جمله آنان، بزرگانی از صحابه مانند ابن عباس، براء بن عازب، زید بن ارقم، ابی سعید الخدری، ابویوب انصاری، عباس بن عبدالمطلب، مقداد بن اسود، انس بن مالک، ابوذر غفاری، ابن ابی کعب، حذیفه بن یمان، عبادة بن صامت، سلمان فارسی و می‌باشد. وی در تفسیر آیه، به لزوم تبلیغ جمیع آنچه که نازل شده و عدم غفلت و فروگذاردن بعض آنچه نازل شده اشاره می‌نماید (دیلمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۱). با توجه به عنایت مفسر به آیات ولایت و امامت و از طرفی، ذکر عقاید خاص زیدیه در صفات و شرایط امامت در دیگر آیات، اشتراک و افتراق زیدیه در بحث امامت در این تفسیر به خوبی نمایان است.

۱،۶. قرن نهم: تفسیر الأعقم

این کتاب، تفسیری کامل و مشهور نزد زیدیه است که توسط أحمد بن علی بن محمد بن علی الأعقم الأنسی، عالم، فقیه و مفسر زیدی، در قرن نهم تألیف شده است (شطه، ۱۴۳۱، ص ۵). از مصادر و منابع این تفسیر می‌توان به تفسیر هادی تألیف امام هادی علیه السلام إلى الحق یحیی بن الحسین بن القاسم، تفسیر ابی علی جبائی، جامع التأویل فی التفسیر نوشته ابی مسلم إصفهانی، تفسیر حاکم جشمی و تفسیر قاضی عبدالجبار معتزلی اشاره کرد. (همان، ص ۹-۱۱) مفسر در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده به بیان نقل قول‌های مرتبط با آیه می‌پردازد. وی این بیان را با دیدگاه زمخشری آغاز نموده و می‌گوید: مراد از ابلاغ «ما أنزل إليك»، «جمیع ما

أنزل الله اليك» است. وی سپس به نظر ثعلبی اشاره کرده و مراد خداوند از این فرمان را بیان فضل و برتری علی عليه السلام می‌داند که با نزول این آیه، پیامبر صلى الله عليه وآله دست ایشان را بالا برد و فرمود: «من كنت مولاة فعلي مولاة» و در ادامه، واقعه غدیر را گزارش می‌کند. مفسر، به تهنیت خلیفه دوم «عمر بن خطاب» به امیرالمؤمنین عليه السلام اشاره می‌کند که با اعلام ولایت امیرالمؤمنین بر هر مومنی همراه بود: «أصبحت مولاي و مولی كل مؤمن و مؤمنة». (الأعقم الانسی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۲)

۱,۷. قرن یازدهم: تفسیر المصاییح الساطعه الانوار

این کتاب در واقع، یک موسوعه تفسیری است که مفسر تلاش دارد مجموعه زیادی از تفاسیر زیدیه و غیر زیدیه را جمع‌آوری کند. این کتاب، جمع نظریات تفسیری امام قاسم بن ابراهیم، امام محمد بن القاسم و الامام الهادی است.

مفسر در مقدمه تفسیر در ذیل آیه ۶۷ سوره مائده، به منصوص بودن امامت علی عليه السلام و اولاد ایشان اشاره می‌کند (شرفی، ۱۴۱۸، ص ۳۳) و در جایی دیگر، در بین روایاتی که در شأن اهل بیت عليهم السلام و تبیین مرجعیت علمی ایشان آورده، ضمن اشاره به واقعه غدیر، آن را گزارش کرده است (همان، ص ۵۰). وی ذیل آیه ۳ سوره مائده، به نقل اقوال مفسران می‌پردازد، از جمله به نقل از حسن بصری می‌نویسد: «مراد از این روز، روزی است که دین در آن کامل شده است و بعید است که مقصود، تحریم موارد معدودی باشد؛ بلکه واجب است که مقصود خداوند، امر مهمی باشد که متضمن کمال دین و اتمام نعمت باشد. روایاتی از راویان ثقه وجود دارد که این روز را روز غدیر معرفی کرده‌اند». وی به تفصیل، واقعه غدیر را گزارش می‌کند و به تبریک خلیفه دوم به امیرالمؤمنین عليه السلام تصریح می‌نماید. در روایتی از ابن عباس، سلمان، ابوذر، مقداد و جماعتی از صحابه آمده است که: ما در آنجا بودیم که آیه «اليوم اكملت...» نازل شد. بعد از آن پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «همانا اكمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار، در ولایت بعد از من، یعنی علی بن ابی طالب عليه السلام است». پیامبر صلى الله عليه وآله این مطلب را سه مرتبه تکرار نمود. (همان، ص ۲۷)

۱،۸. قرن سیزدهم: فتح القدير الجامع بين الرواية و الدراية في التفسير

تفسیر مذکور، تألیف محمد بن علی بن عبدالله شوکانی (۱۱۷۳-۱۲۵۰ق) متولد «هجره شوکان» یمن است. وی از هوش و استعدادی بسیار قوی برخوردار بود و در حدیث و تفسیر، سرآمد هم‌روزگاران خود شد. شوکانی، اهل تحقیق و اجتهاد و نظر در ادله و معتقد به بازگشت به کتاب و سنت بود. شوکانی در آغاز، فقه را بر اساس مذهب امام زید آموخت و از پیشوایان و مفتیان مذهب زیدیه شد. وی در آموزش حدیث، به نقطه‌ای رسید که تقلید را کنار گذاشت و به اجتهاد نایل آمد و کتاب «الجرار المتدقق علی حدائق الازهار» را نوشت. شوکانی ضمن روایت احادیثی از آل بیت پیامبر، با تقلید به مخالفت برخاست و آن را مذموم و حرام شمرد و در این باره، رساله‌ای با عنوان «القول المفید فی حکم التقليد» نوشت. از این رو، مورد بی‌مهری بسیار هم‌مذهبان خویش قرار گرفت. وی در عقیده سلفی، از ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم بسیار تاثیر پذیرفت و در این زمینه، کتابی به نام «التحفة بمذهب السلف» نگاشت. وی همچنین در راستای تطهیر اعتقاد توحیدی از مظاهر شرک و تمییز آن از بدعتها و خرافات و تبیین صحیح و روشن آن، مطالب بسیاری در کتاب‌های خود نوشت (صحرائی و طارمی‌راد، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ص ۸۱۲-۸۱۷ و نرم‌افزار جامع التفاسیر نور). تألیف این کتاب‌ها نشان‌دهنده تأثیر بسیار او از سلف و ابن تیمیه و وهابیت است. وی در ذیل آیات مرتبط با امر و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اشاره‌ای به این مسئله نمی‌کند. به طور مثال، ذیل آیه: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» را روز فتح مکه می‌داند و به اقوال دیگری نیز اشاره می‌نماید که قابل توجه نیست. وی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» را عدم احتیاج به ادیان دیگر به جهت ظهور و کامل شدن دین در احکام می‌داند و در ادامه، نظر جمهور در مورد این آیه را نزول فرایض و تحلیل و تحریم می‌داند. وی با استناد به روایتی صحیح از عمر بن الخطاب، مراد از یوم را روز جمعه در حجه الوداع می‌داند. البته نظر حج اکبر (عید قربان) نیز وجود دارد. (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۴)

شوکانی ذیل آیه ۶۷ سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» به وجوب رساندن

وحی از طرف پیامبر به مردم اشاره می‌کند و اینکه کتمان و پنهان نگه داشتن مطالبی از وحی بر پیامبر جایز نیست. عمومیتی که در ما أَنْزَلَ وجود دارد، دلالت بر این دارد که پیامبر موظف به رساندن جمیع آن چیزی است که بر آن حضرت نازل شده است.

هرچند شوکانی ابتدا آیه را به شکل عام معنا می‌کند، اما بعد از آن، با ذکر روایت، به مسئله غدیر و وصایت امیرالمومنین علیه السلام می‌پردازد و مراد اصلی آیه را تبیین می‌نماید. این امر، نشان‌دهنده اعتقاد زیدی اوست؛ به عبارتی وی به راحتی از کنار آیاتی که در شان حضرت علی علیه السلام نازل شده، نمی‌گذرد و نسبت به روایاتی که آن آیات را در شأن حضرت تفسیر می‌کنند، روش کتمان را پیش نمی‌گیرد. یکی از این روایات، با استناد به ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر عن ابی سعید الخدری و دیگری ابن مردویه از ابن مسعود است. در این روایات، به صراحت به واقعه غدیر و وصایت امیرالمومنین علیه السلام اشاره شده است. (همان، ص ۶۹)

شوکانی در ذیل آیه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵) نیز هرچند در ابتدا معنایی عام برای رکوع و زکات بیان می‌دارد، اما در ادامه با استناد به روایتی از ابن عباس، مصداق «ولی» در آیه را علی علیه السلام معرفی می‌کند. (همان، ص ۶۱)

با وجود این روایت، در مقابل، برخی از اهل سنت و مخالفان شیعه امامیه و منکران امامت بلافصل امیرالمومنین علیه السلام، به نقد آراء او پرداخته‌اند. به طور نمونه، «محمد بن عبدالرحمن الخمیس» - دانشیار گروه عقاید و مذاهب دانشکده اصول دین دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود ریاض - از جمله کسانی است که با تألیف کتابی با عنوان «عذب الغدیر فی بیان التأویلات فی کتاب فتح القدیر للشوکانی» در عین تقدیر و ستایش از تفسیر فتح القدیر، به بیان اشکالاتی در تأویلات این تفسیر پرداخته است. مؤلف بر این باور است که این تفسیر، از جمله تفاسیر شایع مورد مطالعه طلاب علوم دینی است که به جهت اجتهاد کافی مفسر، از جهات متعدد و مختلفی برای خواننده نافع است. اما یکی از اشکالات و سستی‌های این کتاب، روایات جعلی و ضعیفی است که مفسر از امامیه و طوایف شیعه نقل کرده است، بدون



اینکه آنها را باطل اعلام کند. به ویژه روایاتی که دال بر امامت و خلافت بلافصل علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و قبل از خلفای سه گانه دارد. «الخمیس» دقیقاً دو روایتی که در گزارش واقعه غدیر در چند سطر پیش مطرح شد را مثال می زند و آنها را از روایات جعلی امامیه می داند (الخمیس، ۱۴۱۴، ص ۸-۱۶)؛ حال آنکه این روایات، از روایان اهل سنت - ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابن عساکر، ابی سعید الخدری و ابن مردویه - نقل شده اند!

ذهبی نیز در کتاب «التفسیر و المفسرون» خود، به جهت طرح این روایات در تفسیر «فتح القدر»، شوکانی را مورد نقد قرار داده و وی را به پذیرش روایت جعلی شیعیان متهم ساخته است! (ذهبی، بیتا، ج ۲، ص ۲۸۸)

قابل ذکر است که شوکانی رساله ای با عنوان «أنا مدینه العلم و علی باهما»، این روایت را از نظر سندی، حسن می داند (شوکانی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۹). وی امر پیامبر در رجوع به علی بن ابی طالب علیه السلام را امری ارشادی می داند، نه وجوبی و آن را مختص به علم اختصاصی امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی علم ملاحم و فتن دانسته است و نه علم به شریعت، که دیگر صحابه نیز از آن بهره داشتند (عیزری، ۱۴۲۸، ص ۱۱۹-۱۲۰). مصحح این رساله، محمد صبحی حسن الحلاق، این روایت را جعلی دانسته است. شوکانی، رساله دیگری به نام «الدرایه فی مسئله الوصایه العقد الثمین فی اثبات وصایه امیرالمؤمنین» دارد که در آن، وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام را با استناد به احادیثی از مسند احمد بن حنبل مورد تأیید قرار داده است، اما مانند بقیه بزرگان زیدیه، این روایات را حمل بر اولویت کردند که مردم به جهت عذری نتوانستند به آن عمل کنند. (همان، ص ۲۷۹-۲۸۲)

مطالب مذکور را چنین می توان جمع بندی کرد که هرچند شوکانی از عالمان زیدی است که جلوه هایی از اعتقاد به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آثار او دیده می شود، اما به جهت نزدیکی به اهل سنت و گرایش به اهل حدیث، ارجاعی به منابع شیعی نداشته است و متأسفانه به اهل سنت نزدیکتر است تا به شیعه (زیدیه) (علوی مهر، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴-۳۲۵). این گرایش و عدم صراحت شوکانی در بیان اعتقاداتش بهانه ای شده است تا اهل سنت و وهابیت،

او را از خود دانسته و مطالب مربوط به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را که شوکانی آنها را در تألیفات خود بیان نموده، مطالب واهی و جعلی بدانند تا بیش از پیش، شوکانی و تألیفاتش را به اهل سنت نزدیک سازند.

۱,۹. قرن پانزدهم: تفسیر التیسیر

التیسیر فی التفسیر، تالیفی است از علامه بدرالدین بن امیرالدین الحوثی (م ۱۴۳۱ق)، یکی از بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین عالم معاصر زیدیه که در سال‌های اخیر به صورت کامل در هفت مجلد منتشر شده است.

علامه بدرالدین الحوثی، از سادات حسنی است که نسل او به هادی الی الحق یحیی بن حسین، پایه‌گذار حکومت امامان زیدیه در یمن بازمی‌گردد. وی در میان علمای معاصر زیدی در یمن به عنوان یکی از مراجع زیدیه در قرن پانزدهم هجری قمری به شمار می‌رود و پدر حسین الحوثی، رهبر سابق جنبش انصارالله یمن است. وی نقش مهمی در احیای مکتب اهل بیت علیهم السلام پس از سقوط دولت امامان زیدیه و به فراموشی سپرده شدن میراث زیدیه متشیع به سبب گسترش تفکر سلفی‌گری و وهابیت در یمن ایفا کرد. بدرالدین در این زمینه، کتابی را با عنوان «تحریر الافکار» برای مقابله با موج گسترده تفکر وهابیت در یمن تألیف کرد. (شیخ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۸۵). بدرالدین الحوثی برای بازشناسی زیدیه، کتاب‌های متعددی را تألیف کرده است. همچنین با وجود مذهب زیدی خویش، کتاب «من هم الرافضه» را برای تبیین جایگاه واقعی شیعه امامیه نوشته است تا از شیعیان امامیه، رفع اتهام کند.

این مفسر زیدی معاصر، آیه: «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» را مختص به امری خاص می‌داند، نه هرآنچه که نازل شده است؛ زیرا اگر مراد، عام باشد، عبارت: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَشَلْتَ رِسَالَتَهُ»، توضیح واضح خواهد بود. چراکه این مسئله، امری واضح است که در صورت عدم ابلاغ، آنچه که در طول رسالت ایشان نازل شده است، کامل نبوده و گویی که امر رسالت انجام نشده است. مفسر در ذیل این آیه، تحقیق و تفحصی کامل در تفاسیر قبل از خود انجام



داده و واقعه غدیر را از تفاسیر متعددی گزارش کرده است. این تفاسیر عبارتند از: درالمنثور (سیوطی): به نقل از ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابن عساکر از سعید الخدری: این آیه در روز غدیر در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. در روایتی دیگر، ابن مردویه از ابن مسعود روایت کرده است: ما آیه را این گونه تلاوت می کردیم که:

..... ما انزل الیک من ربک ان علیا مولی المومنین...

الامالی الخمیسیه (المرشد بالله) به نقل از ابن عباس: این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است که به دنبال آن، پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم، علی علیه السلام را به وصایت و ولایت معرفی نمود.

مناقب امیرالمومنین (محمد بن سلیمان الکوفی) به نقل از تفسیر ابوالجارود، از امام باقر علیه السلام واقعه غدیر و خطبه غدیر را گزارش می کند.

کتاب الاحکام (هادی الی الحق): واقعه غدیر گزارش شده است.

شواهد التنزیل به اسناد قول ابوهیریه از پیامبر صلی الله علیه و آله: این آیه درباره علی علیه السلام است و به استناد ابی سعید الخدری، ابن عباس و عبدالله بن ابی اوفی، زیاد بن المنذر (ابوالجارود)، ابن عباس و جابر بن عبدالله، واقعه غدیر گزارش شده است.

مفسر در ادامه، خواننده را به کتاب شریف الغدیر از علامه شیخ عبدالحسین امینی و همچنین تفسیر گرانسنگ المیزان از علامه سید محمدحسین طباطبایی ارجاع داده تا مطالب مفیدی را در آن مطالعه کند. (حوشی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۳۳۹ - ص ۳۴۰)

مفسر در ذیل آیه ۳ سوره مائده، اکمال دین را در اکمال قوانین و شرایع الهی و انطباق آنها با حکمت الهی می داند که در آن، احکام به صورت کامل و محکم بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. وی اتمام را نیز اکمال دین و تجمیع مسلمانان با ایجاد برادری بین ایشان همراه با حصول عزت و امن می داند.

مفسر با توجه به وجود اقوال مختلف در تعیین روز مقصود آیه، بر این باور است که تعیین روز عرفه یا غدیر، با هم منافاتی ندارند، زیرا مسئله ولایت و وصایت امیرالمومنین

علی علیه السلام در موارد بسیاری مانند انذار عشیره و خویشاوندان یا تبوک و .. قبل نازل شده است؛ پس ممکن است این آیه، در عرفه نازل و در روز غدیر، بر ابلاغ آن تأکید شده باشد و ممکن است گفته شود هرچند به اعتباری، تأکید حکم قبل است، اما به اعتبار دیگری، حکم جدیدی به اعتبار تجدید قانون است که مانند دفعات قبل، لازم‌الابلاغ و لازم‌الاجرا است. پس مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از حوادث روز غدیر است و اکمال دین، با توجه به اتفاقات آن روز، مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، همراه با مسائل دیگر است. ولایت امیرمومنان، یکی از مسائلی است که دین با آن کامل می‌شود نه اینکه آن، تضمین باقی احکام باشد؛ آن گونه که برخی از شیعیان می‌پردازند که پیامبر، بعضی از احکام را به مردم رساند و مابقی احکام را به علی علیه السلام واگذار نمود تا به مردم برساند و این غیر از معنای آیه نزد ماست. از نظر ما، اکمال دین به واسطه نزول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، به لوازم ولایت، یعنی تشریح رهبری جامعه، حمایت از اسلام، دفع فساد از آن، اقامه حدود و منسوب کردن حکام و... است و تبعیت از امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت ولایتش، واجب است. (همان، ص ۲۴۰)

بررسی سیر گزارش دهی واقعه غدیر در تفاسیر مذکور

در نوشتار حاضر، دوازده تفسیر زیدی از قرن دوم تا قرن پانزدهم مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این تفاسیر، برای اتقان گزارش دهی و دستیابی به گزارش‌های کتب غیر تفسیری زیدی، که در ذیل آیات مرتبط، واقعه غدیر را گزارش کرده‌اند، رجوع شد. ماحصل مطالعه و تحقیق انجام‌شده را اینچنین می‌توان گزارش نمود:

۱. از تفاسیر متقدم تا معاصر (به جز تفسیر مقاتل)، اشاره به موضوع غدیر و منصوص بودن امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، همواره وجود داشته است.
۲. در میان گزارش‌های موجود، شدت و ضعف به چشم می‌خورد. به طور نمونه، در تفسیر مقاتل، مفسر نسبت به واقعه غدیر کاملاً ساکت است. در آثار مربوط به زیدبن علی، فقط در یک منبع و آن هم به صورت کم‌رنگ، به غدیر

پرداخته شده است. در مقابل، برخی از مفسران مانند فرات کوفی و یا جشمی و... به صورت گسترده به ذکر حدیث غدیر پرداخته‌اند و آن را با تفصیل بیشتری توضیح داده‌اند.

۳. آنچه که به طور مشترک، در تفاسیر مطالعه شده، جالب توجه است، رویکرد نقلی زیدیه در ذیل آیات مرتبط با غدیر است، بدون وجود استدلال‌های منطقی و استنباط‌های عقلی، که این مطلب را می‌توان به‌عنوان ضعف برشمرد.

۴. مطلب قابل توجه دیگر در این پژوهش این است که مخالفان شیعه، در پی تشکیک در مطالب وارده در برخی از این تفاسیر برآمده‌اند؛ مانند تفسیر فتح القدیر که از مشهورترین تفاسیر زیدیه است. در این تفسیر، روایات مرتبط با غدیر و ولایت علی علیه السلام، مورد تردید و تشکیک قرار گرفته و آنها را جعلی و بی‌اعتبار اعلام می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکرشده می‌توان گفت هرچند آراء زیدیه، به نوعی با برخی از عقاید امامیه در تعارض است، اما آنان، هم از حیث توجه به معارف اهل بیت علیهم السلام و هم از نظر تفکر معتزلی و عقلی، نزدیکی زیادی به متون و منابع امامیه دارند. واقعه غدیر، نمونه‌ای از این قرابت است که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به این مطلب و در مقابله با تلاش‌های فرق غیر شیعی، که سعی در برقراری ارتباط با زیدیه و نزدیک ساختن ایشان و دیدگاه آنها به خود دارند، توجه به آثار زیدیه و تبیین محورهای مشترک ایشان با امامیه، برای تقویت پشتوانه فکری و فرهنگی شیعه امامی، دارای اهمیت بسیاری است. در واقع باید میراث زیدیه را در شمار میراث تشیع دانست و با رویکردی اثباتی به این آثار، درصدد گسترش میراث شیعی بود.

فهرست منابع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۶۶ ش، الفهرست، تهران: امیرکبیر.
۲. الأعقم الأنسی، احمد علی محمد علی، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م، تفسیر الأعقم، صنعاء: دار الحکمه الیمانیه.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۳۷۲ ش، ترجمه و تلخیص: الذریعه الی تصانیف الشیعه، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. بیهقی، علی بن زید، ۱۳۶۱ ش، تاریخ بیهقی، تهران: چاپ احمد بهمنیار.
۵. جشمی بیهقی، محسن بن محمد، ۱۳۸۳ ش، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، تهران: شمس الضحی.
۶. حبری، حسین بن حکم، ۱۳۹۰ ش، تفسیر الحبری، بیجا: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. حسین بن قاسم عیانی مهدی لدین الله، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۴ م، مجموع کتب و رسائل الامام المهدی لدین الله حسین بن قاسم عیانی، تحقیق: ابراهیم یحیی درسی حمزی، صعده: مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه.
۸. حوثی، بدرالدین، ۱۴۳۴ ق، التیسیر فی التفسیر، صعده: مؤسسه المصطفی الثقافیه.
۹. الخمیس، محمد بن عبدالرحمن، ۱۴۱۴ ق، عذب الغدیر فی بیان التأویلات فی کتاب فتح القدیر للشوکانی، ریاض: دار الصمیعی للنشر والتوزیع.
۱۰. دیلمی، ابوالفضل شهردویر، ۱۳۸۸ ش، تفسیر کتاب الله، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۱. رسی، قاسم بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۱ م، مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی، تحقیق: عبدالکریم احمد جدبان، صنعاء: دار الحکمه الیمانیه.
۱۲. _____، بی تا، تثبیت الامامه لأهل بیت النبی، تحقیق: صالح الوردانی، قاهره: الهدف.
۱۳. _____، ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م، الکامل المنیر فی اثبات ولایه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و الرد علی الخوارج، تحقیق: عبدالولی یحیی الهادی، بیروت: بینا.
۱۴. رسی، محمد بن قاسم بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، امامه علی بن ابی طالب، مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی، صنعاء: دار الحکمه الیمانیه.
۱۵. زرزور، عدنان محمد، ۱۳۹۱ ق، الحاکم الجشمی و منهجه فی تفسیر القرآن، بیروت: بینا.
۱۶. زیاد بن المنذر، ۱۴۳۴ ق/ ۱۳۹۲ ش، تفسیر ابی الجارود و مسنده، تحقیق: علی شاه علی زاده، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۷. زید بن علی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م، تفسیر غریب القرآن، تحقیق: حسن محمد تقی حکیم، بیروت: الدار العالمیه.
۱۸. _____، ۱۴۲۲ ق، مجموع کتب و رسائل الامام زید بن علی، تحقیق: محمد یحیی سالم عزان، صنعاء: دار الحکمه الیمانیه.
۱۹. سلطانی، مصطفی، ۱۳۸۷ ش، امامت از دیدگاه امامیه و زیدیه، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۰. الشامی، فضیلت، ۱۳۶۷ ش، تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ترجمه: سید محمد تقی و علی اکبر مهدی پور، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

٢١. شرفي، عبدالله بن احمد بن ابراهيم، ١٤١٨ق/ ١٩٩٨م، المصاييح الساطعه الانوار؛ تفسير اهل البيت، صعدة: مكتبة التراث الاسلامي.
٢٢. شطة، مصطفى محمد مختار، ١٤٣١ق/ ٢٠١٠م، الأعمق الأنسي و منهجه في التفسير، تحقيق: جمال محمود أحمد أبو حسان، الأردن - عمان: جامعة العلوم الإسلامية العالمية.
٢٣. شهاري، ابراهيم بن قاسم، ١٤٢١ق/ ٢٠٠١م، طبقات الزيدية الكبرى، بيجنا: بيانا.
٢٤. شوكتاني، محمد بن علي، ١٩٩٩م، العقد الثمين في اثبات الوصيه لأمير المؤمنين، بيجنا: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه.
٢٥. _____، ١٤١٤، فتح القدير، دمشق - بيروت: دار ابن الكثير - دار الكلم الطيب.
٢٦. شيخ حسيني، مختار، ١٣٩٣ش، جنبش انصار الله يمن، قم: مجمع جهاني اهل بيت عليه السلام.
٢٧. صبحي، احمد محمود، ١٤١٠ق، الامام المجتهد يحيى بن حمزه وآرؤه الكلاميه، بيجنا: منشورات العصر الحديث.
٢٨. صريفيني، ابراهيم بن محمد، ١٣٦٢ش، تاريخ نيسابور: المنتخب من السياق، (اصل از) عبدالغافرين اسماعيل فارسي، قم: بي نا.
٢٩. علوي مهر، حسين، ١٣٨٤ش، آشنايي با تاريخ تفسير و مفسران، قم: مركز جهاني علوم اسلامي.
٣٠. عيزري، عبدالرحمان، ١٤٢٨ق/ ٢٠٠٧م، مصنفات الامام الشوكاني و موارده: دراسه تحليليه شامله، بيروت: بيانا.
٣١. غريبي (الغراوي)، سامي، ١٤٢٩ق، الزيديه بين الاماميه و اهل السنه، تهران: انتشارات دارالكتاب الاسلامي.
٣٢. فرات كوفي، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم الكوفي، ١٤١٠ق، تفسير فرات كوفي، تحقيق: محمد كاظم محمودي، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
٣٣. متوكل على الله، احمد بن سليمان، ١٤٢٤ق، حقايق المعرفه في علم الكلام، تصحيح: حسن بن يحيى يوسفى، صنعاء: مؤسسه الامام زيد الثقافيه.
٣٤. محمد بن سليمان كوفي، ١٤١٢ق، مناقب الإمام أمير المؤمنين، تحقيق: محمد باقر محمودي، قم: مجمع احياء الثقافه الاسلاميه.
٣٥. مرتضى لدين الله، محمد بن يحيى، ١٤٢١ق/ ٢٠٠١م، كتاب الاصول، تحقيق: عبدالله بن حمود عزي، اردن - امان: مؤسسه الامام زيد بن علي الثقافيه.
٣٦. معرفت، محمد هادي، ١٣٨٠ش، تفسير و مفسران، قم: التمهيد.
٣٧. مقاتل بن سليمان، ١٣٨٢ق، تفسير مقاتل بن سليمان، بي جا: دار الكتب العلميه.
٣٨. موسوي نژاد، سيد علي، ١٣٨٤ش/ ٢٠٠٥م، تراث الزيديه، قم: مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب.
٣٩. وجيه، عبدالسلام، ١٤٢٢ق، مصادر التراث في المكتبات الخاصه في اليمن، عمان: مؤسسه الامام زيد بن علي الثقافيه.
٤٠. هادي الى الحق، يحيى بن حسين، ١٤١٩ق، تثبيت الامامه، بيروت: دار الامام السجاد عليه السلام.

۴۱. _____، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م، کتاب اصول الدین؛ مجموع رسائل الامام الهادی الی الحق، تحقیق: عبدالله بن محمد الشاذلی، امان: مؤسسه الامام زیدبن علی الثقافیه.
۴۲. _____، ۱۹۷۱م، رسائل العدل و التوحید (جلد دوم)، تحقیق: محمد عماره، قاهره: دار الهلال.
۴۳. _____، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م، الاحکام فی الحلال و الحرام، بی جا: بی نا.
۴۴. هارونی، احمد بن حسین، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م، الأمالی الصغری، تحقیق: عبدالسلام عباس الوجیه، صعده: دار التراث الاسلامی.
۴۵. _____، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م، التبصره فی التوحید و العدل، تحقیق: عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.
۴۶. یوسف بن احمد بن عثمان (الشهیر بالفقیه یوسف)، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م، تفسیر الثمرات البانعه و الاحکام الواضحه الفاطمه، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.

مقاله

- ۱- موسوی نژاد، سیدعلی و حسین اف، وصال، ۱۳۹۰ش، «غدیر در منابع زیدیه؛ قرن های دوم تا پنجم هجری»، فصلنامه علمی- تخصصی سخن تاریخ، سال پنجم، ش ۱۳، ص ۳۷-۷۸.
- ۲- صحرایی، شهرام و طارمی راد، حسن، ۱۳۹۸ش، «شوکانی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۷، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- ۳- عمادی حائری، سید محمد، ۱۳۸۹ش، «درباره سطریندی نسخه های تفسیر کتاب الله و اشاره به نقش متن و تعلیقات در صفحه آرایبی نسخ خطی»، مجله نامه بهارستان، سال یازدهم، ش ۱۷، ص ۲۵۳-۲۵۴.